

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش

پژوهشی در مجازالقرآن ابو عبیده معمر بن مثنی

استاد راهنما

دکتر جعفر مقدس

استاد مشاور

دکتر فرنگیس پرویزی

نگارش

زهرا کامیاب

تاریخ دفاع

۱۳۸۶

به پیشگاه مقدس ولی
عصر ، امام زمان
(عج) تقدیم می شود.

این هدیهٔ مقدس را به پدر و مادر ارجمندم
تقدیم می‌دارم به پاس زحمات بی‌دریغشان و
دعاهای خیری که بدرقهٔ راهم نمودند.
و نیز خواهر و برادران عزیزم که مشوقم در این
راه بودند.

تقدیم به همسر عزیز و مهربانم

برای تمام خوبی هایش

گرچه می دانم

بزرگان ، خوبی برای مزد نکنند.

و به شگفت انگیزترین مخلوقات خداوند ؛
فرزندانم ،

«زهره واحمدرضا»

با اذهانی حیرت انگیز و آینده ای درخشان
به امید ادامهٔ مسیر قرآنی

بدین وسیله از دوستان عزیزم خانمها طلعت السادات حسینی و عذرا گلپایاتی
بخاطر یاری های فکری و تشویق هایشان تشکر می کنم .

از کلیه کارکنان زحمتکش پژوهشگاه علوم انسانی برای الطاف بی حدشان
سپاسگزارم .

از کتابداران محترم کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه
الزهر، دانشگاه علامه طباطبایی کمال تشکر را دارم .

چکیده

این رساله پژوهشی در جلد دوم کتاب *مجاز القرآن* اثر ابو عبیده معمر بن مثنی است. این کتاب مربوط به قرن دوم هجری است و بر مجاز هایی مشتمل است که از «سوره ی مبارکه مریم (علیها السلام) تا پایان قرآن کریم آمده است.

مجاز از نظر ابو عبیده مفهومی گسترده دارد و به هر گونه کاربرد کلمه در غیر معنای صریح و واقعی آن اطلاق شده است، چه استفاده حق تعالی از کلمات مترادف و یا تشبیه، استعاره، کنایه، تکرار، حذف، تقدیم و تأخیر، اختصار و اضممار از نظر ابو عبیده مجاز هستند؛ به طور کلی منظور ابو عبیده از مجاز، معنای لغوی کلمه است و نه معنای بلاغی آن.

ابو عبیده آیاتی را که به تعبیر نیاز دارد، به ترتیب سوره قرآنی مورد بحث قرار داده است و در هر آیه که مجازی بیان می کند، سخن خود را با نظایر آن از آیات دیگر و سخنان و اشعار شاعران و امثال مشهور عرب مستدل می سازد.

در این رساله ابتدا در مورد زندگی ابو عبیده و مجاز و انواع آن و علاقه های آن به طور خلاصه شرحی آمده است و انواع مجازهای آیات قرآن از دید ابو عبیده دسته بندی شده است.

برای درک و تفهیم منظور ابو عبیده از کتاب های مختلف تفسیر و لغت از جمله تفسیر شیخ

ابوالفتوح رازی و مجمع البیان شیخ طبرسی استفاده شده است.

.....	چکیده.....
۱.....	فهرست مطالب.....
۶.....	پیشگفتار.....
۹.....	زندگی ابو عبیده معمر بن مثنی.....
۱۲.....	آثار ابو عبیده.....
۱۴.....	سیر تحول مجاز.....
۱۵.....	حقیقت.....
۱۶.....	مجاز.....
۱۸.....	اقسام مجاز.....
۲۵.....	ایجاز.....
۲۸.....	مجاز از دیدگاه ابو عبیده.....
۳۵.....	مجاز القرآن.....
۳۶.....	سوره مریم (ع) (۱۹).....
۴۸.....	سوره طه (۲۰).....
۶۵.....	سوره انبیاء (۲۱).....
۷۴.....	سوره حج (۲۲).....
۸۳.....	سوره مومنون (۲۳).....
۸۹.....	سوره نور (۲۴).....
۹۵.....	سوره فرقان (۲۵).....
۱۰۸.....	سوره شعراء (۲۶).....

١١٧.....	سورة نمل (٢٧).....
١٢٢.....	سورة قصص (٢٨).....
١٣٦.....	سورة عنكبوت (٢٩).....
١٤٢.....	سورة روم (٣٠).....
١٤٩.....	سورة لقمان (٣١).....
١٥٣.....	سورة سجده (٣٢).....
١٥٧.....	سورة احزاب (٣٣).....
١٦٥.....	سورة سبا (٣٤).....
١٧٥.....	سورة مائتة (٣٥).....
١٨٠.....	سورة يس (٣٦).....
١٨٩.....	سورة صافات (٣٧).....
١٩٨.....	سورة ص (٣٨).....
٢٠٧.....	سورة زمر (٣٩).....
٢١٣.....	سورة مؤمن (٤٠).....
٢١٥.....	سورة حم سجده (٤١).....
٢١٧.....	سورة عسق (٤٢).....
٢١٩.....	سورة زخرف (٤٣).....
٢٢٣.....	سورة دخان (٤٤).....
٢٢٥.....	سورة جاثية (٤٥).....
٢٢٧.....	سورة احقاف (٤٦).....
٢٢٩.....	سورة محمد (٤٧).....
٢٣٢.....	سورة فتح (٤٨).....
٢٣٤.....	سورة حجرات (٤٩).....

٢٣٧	سورة ق (٥٠)
٢٤٠	سورة ذاريات (٥١)
٢٤٤	سورة طور (٥٢)
٢٤٩	سورة نجم (٥٣)
٢٥٣	سورة قمر (٥٤)
٢٥٥	سورة رحمن (٥٥)
٢٦٠	سورة واقعه (٥٦)
٢٦٦	سورة حديد (٥٧)
٢٦٧	سورة مجادله (٥٨)
٢٦٨	سورة حشر (٥٩)
٢٦٩	سورة ممتحنه (٦٠)
٢٧٠	سورة صف (٦١)
٢٧٠	سورة جمعه (٦٢)
٢٧١	سورة منافقون (٦٣)
٢٧٢	سورة تغابن (٦٤)
٢٧٢	سورة طلاق (٦٥)
٢٧٣	سورة تحريم (٦٦)
٢٧٣	سورة ملك (٦٧)
٢٧٥	سورة ن (٦٨)
٢٧٨	سورة حاقه (٦٩)
٢٨٠	سورة سأل سائل (٧٠)
٢٨٢	سورة نوح (٧١)
٢٨٣	سورة جن (٧٢)

٢٨٤	سورة مزمل (٧٣)
٢٨٦	سورة مدثر (٧٤)
٢٨٨	سورة قيامت (٧٥)
٢٩٠	سورة هل أتى على الانسان (٧٦)
٢٩٢	سورة مرسلات (٧٧)
٢٩٣	سورة عمّ يتساءلون (٧٨)
٢٩٤	سورة نازعات (٧٩)
٢٩٧	سورة عبس (٨٠)
٢٩٨	سورة إذا الشمس كورت (٨١)
٣٠٤	سورة إذا السماء انفطرت (٨٢)
٣٠٦	سورة إذا السماء انشقت (٨٤)
٣٠٧	سورة بروج (٨٥)
٣٠٧	سورة والسماء والطارق (٨٦)
٣٠٨	سورة سبح اسم ربك الاعلى (٨٧)
٣٠٨	سورة غاشية (٨٨)
٣٠٩	سورة والفجر (٨٩)
٣١٠	سورة بلد (٩٠)
٣١١	سورة والشمس والضحي (٩١)
٣١٢	سورة والليل اذا يغشى (٩٢)
٣١٢	سورة والضحي (٩٣)
٣١٣	سورة الم نشرح (٩٤)
٣١٣	سورة تين (٩٥)
٣١٤	سورة اقرأ باسم ربك (٩٦)

سورة قدر (٩٧) ٣١٤

و سورة لم يكن (٩٨) ٣١٥

سورة زلزلت (٩٩) ٣١٥

سورة عاديات (١٠٠) ٣١٥

سورة قارعه (١٠١) ٣١٦

سورة الهاكم التكاثر (١٠٢) ٣١٧

فهرست آيات ٣١٨

فهرست احاديث

فهرست اشعار

فهرست اعلام

فهرست امثال عربي

..... فهرست مأخذ

پیشگفتار

«إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ

إِلَّا بِهِ» به راستی که قرآن ظاهری زیبا و باطنی ژرف و بی پایان دارد شگفتی هایش پایان نپذیرد و تاریکی ها جز به وسیله او برطرف نگردد. «(نهج البلاغه، ۷/۱۸).

واژه ، زینت معناست، سخنور حاذق با بهره گیری از دانش معانی و بیان به شیوه های گوناگون سخن را زیبا و مقصود را ادا می کند. مجاز ، یکی از این دانش ها و یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم است.

سبب پیدایش مجاز ، مقتضیات بلاغت است ؛ که گوینده را ، به ایجاد معنای غیر حقیقی از یک کلمه وامی دارد در هنر خطابه و سخنرانی کاربرد مجاز خیلی بیش از حقیقت است زیرا مقصود گوینده ، تثبیت سخن در نفس شنونده است و این کار با مجاز است که بهتر به کمال می رسد. این که پیامبر اکرم از سخن به عنوان سحر یاد کرده اند ، به جهت همین مجازهاست.

رساله حاضر پژوهشی است در کتاب مجازالقرآن اثر ابو عبیده معمر بن مثنی که در قرن دوم هجری نگاشته شده است.

این کتاب اولین اثری است که به قرآن از جنبه بلاغی آن توجه نموده است. (زیدبن علی ۱۳۷۶ ص: ۷۶) و سر لوحه کار علمای بلاغت بعد از خود واقع شده است. « نام این کتاب به عنوان مرجع در بسیاری از کتب علوم بلاغی سده سوم به بعد دیده می شود. » (خرمشاهی ۱۳۸۱: ص ۱۹۶۹).

همان گونه که در شرح زندگی ابو عبیده خواهد آمد، هدف وی از نوشتن این کتاب ، فهم بهتر معانی قرآن و کمک به درک مفاهیم و تعبیرات قرآن کریم است .

ابو عبیده در این مسیر، راهگشای کسانی شد که علاقمند بودند قرآن را در این جنبه و از دید معانی و بیان بیشتر مورد بررسی قرار دهند و اکثر کسانی که بعد از او در این زمینه کار کرده اند و نیز مفسران بزرگ از نظرهای وی بهره ها برده اند و به تکمیل کار وی پرداخته اند.

ابو عبیده در کتاب خود، کلمات و آیاتی را که توجیه و تفهیم آنها را لازم می دانسته است، به ترتیب سوره های قرآن مورد بحث قرار داده است و بعد از توضیح نکته مورد نظر در آن آیه سخن خود را به اشعار و اقوال مشهور عرب مستدل می سازد و گاه آیه ای را با آیه دیگر توضیح می دهد. هر گونه توضیحی که به فهم هر چه بیشتر معنا و مفهوم آیات کمک کند - که هدف اصلی ابو عبیده نیز همین است - در این کتاب با عنوان مجاز ذکر می شود.

ابو عبیده در نامگذاری شرحش در مورد آیه از تعابیر مختلفی استفاده می کند، از قبیل: مجازه تقدیره، معناه، تفسیره، تأویله. مجاز از دید ابو عبیده، به معنای تفسیر، تبیین و تأویل آیات قرآنی است و بویژه سعی وی در این جهت است که درک درستی از کلام الهی را به دست دهد. مجاز از نظر ابو عبیده مفهومی گسترده دارد و به هر گونه کاربرد کلمه در غیر معنای صریح و واقعی آن اطلاق شده است، استفاده حق تعالی از کلمات مترادف و یا تشبیه، استعاره، کنایه، تکرار، حذف، تقدیم و تأخیر، اختصار و اضممار از نظر ابو عبیده مجاز هستند و منظور ابو عبیده از مجاز معنای لغوی کلمه است و نه معنای بلاغی آن.

در مورد چگونگی کار لازم به ذکر است که ترجمه آیات قرآن از ترجمه تفسیر طبری و تفسیر کشف الاسرار میبیدی برگرفته شده است که با نوع مجازهای مورد نظر ابو عبیده مناسبت بیشتری دارد.

در مورد معانی ابیات عربی بسیاری که به عنوان نمونه و شاهد در این کتاب آمده است، از دو کتاب تفسیر ابوالفتوح رازی و ترجمه مجمع البیان شیخ طبرسی استفاده شده است. این دو مفسر در بیشتر موارد با ابو عبیده هم نظر بودند.

تا کنون به زبان فارسی، ترجمه و تحقیقی در مورد مجاز القرآن نشده بود، به همین دلیل پژوهشی در این کتاب ارزشمند، ضرورت داشت تا جمال بی بدیل قرآن با تجلی نوین و دیگر

گونه ای بر پارسی زبانان رخ بنماید؛ از این رو با تهیهٔ روگرفتی از نسخهٔ قدیمی کتاب که در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی موجود است، کار پژوهش این کتاب آغاز و با یاری خداوند مَنَّان به انجام رسید. این کتاب گرانمایه با تعلیق محمد فؤاد سزگین، در سال ۱۹۶۲ م. در مصر به چاپ رسیده است. این دانشمند ترک که اینک بیش از چهل سال است در فرانکفورت آلمان زندگی می‌کند، کتاب تاریخ نگارش های عرب را در چهار مجلد، به شکل فهرست تهیه کرده است، که به اهتمام خانهٔ کتاب چاپ شده است. (زیات ۱۴۱۸ ق. : ص ۱۳)

کتاب ارزشمند *مجازالقرآن* به خاطر محتوای پربارش جای کار بسیار دارد، چه از نظر پژوهشهای معانی و بیانی و چه تحقیق های صرف و نحو و یا پژوهش های دینی و مذهبی. امید است که اساتید هر یک از این رشته ها توجه بیشتری به این کتاب مبذول دارند و آن را بویژه برای استفادهٔ فارسی زبانان علاقمند آماده نمایند.

زندگی ابو عبیده

ابو عبیده معمر بن مثنیٰ التیمی از دانشمندان علم نحو و لغت است که در ماه رجب از سال ۱۰۸ ق. و بنا بر روایت های مختلف در ۱۰۹ یا ۱۱۰ یا ۱۱۱ او یا ۱۱۴ ق. متولد شد. (آبادی و دیگران ۱۳۳۸: ج ۲/ص ۱۳۴) و در سال ۲۱۱ ق. وفات یافت، وی نزدیک به صد سال عمر کرد.

ابو عبیده ایرانی و از اهالی فارس بود؛ «لقب او سحِب (سبخت؟) از مردم فارس و ایرانی نژاد است. ابی العیناء و او از مردی روایت کند که ابو عبیده را گفتند: تو همه کسان را به بدی یاد کردی و در انساب آنان طعن آوردی، ما را نگویی که پدر تو و اصل او چه بوده است؟ گفت او نیز یهودی بود از مردم باجروان.» (ابن ندیم ۱۳۶۶: ص ۹۴)

در مورد اعتقادات ابو عبیده باید گفت که او سخت طرفدار شعوبیه و با عرب دشمن بوده است. وی در نوشته های خود از بدی های عرب بسیار می نوشت و عرب را بر عجم برتری نمی داد. با تمامی علوم اسلامی و جاهلی آشنایی کامل داشت و دیوان عرب را خوانده بود. اطلاعات بسیاری در باره لغات غریبه و اخبار عرب و جنگ های آنان داشت و در علوم عصر خود سرآمد بود، بویژه از علوم مربوط به لغت اطلاع وافر داشت.

«در کتب تراجم نحاة و اخبار علما ثبت است که ابو عبیده قوانین نحو و اصول عربیت از یونس بن حبیب نحوی، و ابو عمرو بن العلافرا گرفت و فن اخبار از هشام بن عروه و غیر از کبار محدثین اخذ نمود؛ در چنین صناعت مانند لغت و نحو و فقه در میان ابناء زمان متفرد و ممتاز شد، و در ضبط اخبار و ایام عرب و امثال ایشان علامه عصر گردید، علما لغت و اساتید ادب در بسیاری از مسائل لغویه و ایام عرب، بقول وی استشهاد کنند، و کلامش حجتی متین و برهانی قاطع شناسد، و این معنی بر کسانی که به مجامع ادبا و کتب و مؤلفات مورخین مستولی و محیطند، به نهایت روشن و مبرهن است.» (آبادی و دیگران ۱۳۳۸: ج ۲/ص ۱۳۵)

ابن خلکان از قول جاحظ می آورد که بر روی زمین هیچ خارجی و جماعی اعظم به جمیع اعلم از او نبود. غریب و اخبار عرب و ایام ایشان بسیار می دانست. ابن ندیم معتقد است که ابو عبیده فصاحت را از ابو سرار غنوی که یکی از فصحا است، آموخته است.

ابو عبیده خود در مورد انگیزه اش در نوشتن کتاب *مجاز القرآن* می گوید که فضل بن ربیع وی را به بصره می طلبد و مجلسی ادبی بر پا می کند. در آن مجلس مردی نویسنده از وی می پرسد:

« خدای تعالی می فرماید: « **طَلَّهَا كَأَنَّهُ رُئُوسُ الشَّيَاطِينِ** » و وعده و وعید نباشد مگر به چیزی معروف و رؤوس الشیاطین معروف نیست، گفتم: کلام خدای تعالی بر مقدار کلام عرب است امرؤالقیس گوید:

أیقئلنی و المشرفی مضاجعی و مسنونة زرق کانیاب اغوال

اگرچه عرب غول را ندیده اند ولیکن کار غول را هول می پنداشتند و از او می ترسیدند و بدو وعید می کردند، از آن روز عزم کردم کتابی برای معرفت چنین اشیا بسازم، چون به بصره آمدم کتاب *المجاز* را تصنیف کردم. (ابن خلکان ۱۳۸۱: ج ۳/ص ۲۷۸)

در مورد ویژگی های اخلاقی ابو عبیده چنین به نظر می رسد که وی با آن که لطایف ادب را بخوبی می شناخته است و در حل مشکلات زبان عرب مهارت بسیار داشته است از حسن بیان بهره ای نداشته و نکات باریکی را که با هوش و زیرکی خاص خود درمی یافته، با بیان نادرست از بین می برده است. وی با آن همه فضل و دانشی که دارا بوده، وقتی شعری را می خوانده، وزن آن را می شکسته و مختلف العروض می آورده است؛ حتی در این مورد تا جایی پیش می رفته است که هنگام قرائت قرآن و یا روایت حدیث از روی عمد آن را به لحن و نادرست می خوانده و قوانین اعراب آن را رعایت نمی نموده است.

در مورد اخلاق و رفتار وی نیز آمده است که کسی از نیش زبان او در امان نبود، در آزردها و رنجاندن مردم زبانی گزنده داشت، خاطر همه مردم چه دانشمند و غیر دانشمند از وی می رنجید

و او با زخم زبان و طعنه و کنایه همه معاصرین را آزار می کرد، به همین جهت از بدزبانی او برحذر بودند و هیچ کس بر جنازه اش حاضر نشد.

ابوعبیده بر طبق گفته صریح عدّه ای از اهل خبر به طریقت خوارج مایل بوده است و در میان قبائل و شعوب آن قوم بیشتر به اباضیه گرایش داشته است. ابو حاتم سجستانی اظهار داشته که ابو عبیده به گمان آن که وی از خوارج سیستان است، برایش احترام بیش از حد قائل بوده است.

در مورد وفات وی در نامه دانشوران آمده است: «گویند: روزی در بصره به سرای محمد بن نوشجانی رفت، محمد مقداری از موز برای وی حاضر ساخت، ابوعبیده چند دانه از آن تناول نمود، بدان سبب علیل گشت، و یک چند ملازم بستر شد، تا آن که در سال دویست و نه یاده یا یازده یا سیزده در بصره وفات نمود، و قرب صد سال زندگی یافت، چون مردم بصره از شناعت مقال و نکات لسان وی بسی آزرده بودند به جنازه اش حاضر نگشتند، تا آن که آخر الامر به روایت «مسعودی» معدودی را اجرتی مقرر نمودند تا نعش او را حمل داده به خاکش بسپرند، و پس از وفات ابوعبیده وقتی ابوالعتاهیه به مجلس محمد بن قاسم در آمد، محمد مقداری موز به نزد ابوالعتاهیه آورد. ابوالعتاهیه از در مطایبت گفت: ای محمد این موز ها بردار. ابوعبیده را به موز کشتی اینک اراده آن داری که مرا به قتل آوری؟ همانا ترا کشتار علماء در کام شیرین آمده.» (آبادی و دیگران ۱۳۳۸: ج ۲ / ص ۱۳۴ تا ۱۴۸)

آثار ابو عبیده

ابن ندیم در الفهرست ، نام ابو عبیده را جزء نویسندگانی آورده است که کتاب هایی در معانی و مشکلات قرآن کریم و مجاز آن داشته اند و هشتاد و شش کتاب از ابو عبیده نام می برد و ابن خلکان بیست و هفت کتاب دیگر نیز علاوه بر آنها نام می برد و از قرار معلوم بیشتر عمر وی صرف نوشتن می شده است .

در نامه دانشوران اسامی کتاب های ابو عبیده به این شرح آمده است : کتاب معانی القرآن، کتاب الدیباچ، کتاب التاج، کتاب غرب، کتاب غریب القرآن، کتاب الحدود، کتاب خراسان، کتاب خوارج، کتاب البحرین و الیمامه، کتاب الموالی، کتاب البله، کتاب الصیفان، کتاب مرج راهط، کتاب المنافرت، کتاب القبائل، کتاب خبر البراض، کتاب القراین، کتاب البازی، کتاب الحمام، کتاب الحیات، کتاب العقارب، کتاب النواکح، کتاب النواشر، کتاب خضر الخیر، کتاب الاعیان، کتاب بیان باهله، کتاب ایادی الازد، کتاب الخیل، کتاب الامل کتاب الانسان، کتاب الزرع، کتاب الزحل، کتاب الدلو، کتاب البکره، کتاب السرج، کتاب اللجام، کتاب الترس، کتاب السیف، کتاب الشوارد، کتاب الاحتلام، کتاب مقاتل الفرسان، کتاب مقاتل الاشراف، کتاب الشعرو الاشعار، کتاب فعل و افعال، کتاب المثالب، کتاب خلق الانسان، کتاب الفرق، کتاب الخف، کتاب مکة و الحرام، کتاب الجمل و صفین، کتاب بیوتات العرب، کتاب اللغات، کتاب الغارات، کتاب المعاتبات، کتاب الملامات، کتاب الاضداد، کتاب مآثر العرب، کتاب مآثر غطفان، کتاب ادعیه العرب، کتاب فضل عثمان، کتاب اسماء الخیل، کتاب مقتل عثمان، کتاب العقیقه، کتاب قضاة البصره، کتاب فتوح الاهواز، کتاب لصوص العرب، کتاب فتوح ارمنیه، کتاب اخبار الحاج، کتاب قصه الکعبه، کتاب الحمل من قریش، کتاب فضائل الفرس، کتاب ماتلحن فيه العامه، کتاب السواد و فتحه، کتاب من شکر من العمال و حمد، کتاب الجمع و التثنیه، کتاب الاوس و الخزرج، کتاب محمد و ابراهیم ابنی عبد الله بن الحسن بن

علی بن ابیطالب، کتاب الایام الصغیر خمسہ و سبعون یوما، کتاب الایام الکبیر الف و مأتایوم، کتاب ایام بنی مازن و اخبارهم، کتاب غریب الحدیث. «(آبادی و دیگران ۱۳۳۸: ج ۲/ص ۱۴۸)

مهم ترین اثر ابو عبیده کتاب مجازالقرآن است که بسیار مورد توجه و استفادۀ علمای پس از وی واقع شد. در مقدمۀ کتاب تفسیر غریب القرآن، کتاب مجازالقرآن ابو عبیده با کتاب غریب القرآن وی یکی شمرده شده است و اذعان داشته است که ممکن است مجازالقرآن دارای اسامی متعدد از جمله اعراب القرآن و معانی القرآن باشد یا این که هر یک از این اسامی خود کتابی مستقل باشد. (زیدبن علی ۱۳۷۶: ص ۷۶)

سیر تحول مجاز

ابوعبیده معمر بن مثنیٰ شاگرد خلیل بن احمد در سال ۱۸۸ ق. به تألیف کتاب *مجاز القرآن* پرداخت (زیات ۱۴۱۸: ص ۲۷۵) و در تفسیر آیات و کلمات اعجاز نشان آن به جهات بلاغی این کتاب مقدس توجه نمود. پس از ابوعبیده، فراء کتاب *معانی القرآن* را تألیف کرد و به مسائلی که از دید ابوعبیده پوشیده مانده بود، اشاره کرد. سپس جاحظ بصری (۲۵۵ ق.) ضمن آثار متعدد خود از جمله اثر سودمندش به نام کتاب *نظم القرآن* به رد گفته های اهل ظاهر و نظام معتزلی پرداخت و جهات اعجاز قرآن را از لحاظ الفاظ و معانی و ترکیبات و نظم و کلمات باز نمود. سپس عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی (متوفی به سال ۴۷۱ ق.) با تألیف دو کتاب *اسرار البلاغه* و *دلایل الاعجاز علوم بلاغت* را پایه گذاری و تدوین نمود. بعد از آن ابویعقوب یوسف سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق.) در کتاب *مفتاح العلوم* خود به طرح مباحث عمیق و گسترده ای در علوم بلاغت دست زد و با این تألیف کار را به نهایت رسانید به گونه ای که بزرگانی هم چون میرسید شریف جرجانی (متوفی ۸۱۶ ق.)، سعدالدین تفتازانی (متوفی ۷۹۱ ق.) شروحنی بر آن نوشتند. در واقع پس از جرجانی و سکاکی هر که در فنون بلاغت به تألیفی دست زده است همان مطالب را تکرار کرده است.